

دانشجو

و تشکل دانشجوئی

در بیانات رهبری

✦ دانشجوی موفق چه دانشجوئی است؟

✦ به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذيب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد. من برای دانشجوی موفق، سه شاخص دارم.



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

77/2/22

پیگیری الف : خودسازی ب: جامعه سازی در بیانات رهبر معظم انقلاب

(کلیپ خودسازی مربیان سایت نورهدایت را برای تکمیل ببینید.

و <http://emamat.ghasam.ir>

(<http://khatfarhangi.mihanblog.com/post/category/13>)

تلفیقی از کتاب نکته های ناب جلد اول و مقاله ای در تاریخ

۱۶/۰۹/۱۳۸۹ سایت مقام معظم رهبری Khamenei.ir



پرسش و پاسخ دانشجویان با رهبر انقلاب درباره وظایف دانشجو

❖ دانشجوی موفق چه دانشجویی است؟

- ❖ به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد. من برای دانشجوی موفق، سه شاخص دارم.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

77/2/22



دانشجوی موفق

تحصیل

تهذیب

ورزش

❖ عمده ترین وظیفه جوانان حزب اللهی و انقلابی چیست؟

- ❖ به نظر من، جوانان انقلابی دانشگاه - چون بحث دانشجو را داریم - سعی کنند خوب درس بخوانند؛ خوب فکر و معرفتشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند؛ فعال باشند، نه منفعل؛ روی محیط خودشان، اثر فکری و روانی بگذارند. این شدنی است. یک جوان گاهی اوقات می تواند مجموعه پیرامونی خودش را - کلاس را، استاد را و حتی دانشگاه را - زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسی کاری به دست نمی آید؛ با معنویت به دست می آید، با صفا به دست می آید، با



درس خوب ،

بالا بردن معرفت

اثر گذاری روی

محیط خودشان.

استحکام رابطه با خدا به دست می آید. عزیزان من! رابطه با خدا را جدی بگیرید. شما جوانید؛ به آن اهمیت بدهید، با خدا حرف بزنید، از خدا بخواهید. مناجات، نماز، نماز با حال و با توجه، برای شما خیلی لازم است. مبادا اینها را به حاشیه برانید.

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران (77/2/22)

تاثیر گذاری با
معنویت به دست
می آید ، با صفا و
با استحکام رابطه
با خدا به دست
می آید.

دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو.....70/9/20



♦ - دو عنصر اصلی در تربیت دانشجو هست، که هیچکدام نبایستی مغفول عنه بماند؛ اگر مغفول عنه ماند، ما ضرر خواهیم کرد: یکی عنصر علم و تحقیق و کارایی علمی و جوشیدن استعداد های علمی و این قبیل چیزهاست؛ یکی هم عبارت است از روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم سازی معنوی و روحی دانشجو. در دانشگاهها، این دو عنصر بایستی بدون تفکیک از یکدیگر، با قدرت و با ظرفیت کامل کشور، تعقیب بشود.

♦ - اگر در کار عنصر اول کوتاهی کردیم، نتیجه چیست؟ همه میدانند. دانشگاهی که نتواند علم و تحقیق را به دانشجو منتقل بکند، و نتواند دانشجو را یک عالم، یک استاد، یک صاحب صلاحیت، یک مبتکر، و بالاخره یک مدیر بالفعل برای بخشی از بخشهای بی شمار اداره ی جامعه بسازد، آن دانشگاه، دیگر دانشگاه نیست. در این زمینه، مسأله ی استاد، مسأله ی کتاب درسی، فضای آموزشی، آزمایشگاه و مجلات علمی هست؛ از این چیزهایی که دایم ورد زبان ماهاست و همه ی ما هم آن را دنبال میکنیم. همه ی شماها

دو عنصر مهم :
- عنصر علم و
تحقیق و
جوشش استعداد
علمی .
- روحیه تدین و
سالم سازی
معنوی و روحی

اگر در عنصر علم
کوتاهی شود ،
فایده دانشگاه
چیست ؟

هم تقریباً دانشگاهی هستید و به این مسائل خیلی خوب توجه دارید و دنبال میکنید. ان شاءالله روزبه روز هم باید به قدر امکانات کشور پیشتر برویم.

- ♦ عنصر دوم، عبارت است از روحیه و تدین و حرکت صحیح و سالم سازی معنوی و روحی دانشجو. البته این هم از نظر جمع شما مغفول غنه نیست. لیکن در فضای عمومی دانشگاهی کشور، به این نکته ی دوم توجه کافی وجود ندارد. -نکته ی دوم یعنی مسأله ی روحیه و تدین و آگاهی دانشجو و بیرون آوردن او از حالت یک عنصر علمی بی جهت و بیهدف، به سمت یک عنصر علمی جهتدار -

توجه به عنصر دوم هم مهم است زیرا باعث بیرون آوردن او از حالت یک عنصر علمی بی جهت و بیهدف، به سمت یک عنصر علمی جهتدار

انسان با کامپیوتر متفاوت است. به کامپیوتر برنامه میدهند، آن هم برایشان جواب مسأله را حاضر میکند؛ اما انسان که این طور نیست. انسان خودش برنامه ی خودش را تنظیم میکند؛ خودش تصمیم میگیرد و خودش جهتگیری پیدا میکند. اگر ما از این جهت دوم غفلت بکنیم، دانشگاه همان چیزی خواهد شد که در بیانات امام، مکرر در مکرر نسبت به آن هشدار داده شده است

.....
♦ خودسازی فکری و اخلاقی و انقلابی درونی دانشجویان یک فریضه است....

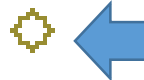
۰۹/۱۲/۱۳۷۹



- ♦ مؤمن سرشار است. البته به شما دانشجویان میگویم، سنگربان این سنگر شما هستید. مواظب باشید خاکریزهایتان سست نشود. دائم خاکریزها را ترمیم کنید. خاکریزها، خاکریزهای فرهنگی و فکری است؛ اینها را ترمیم کنید. خودسازی فکری و اخلاقی و

انقلابی درونی دانشجویان یک فریضه است - چه هر دانشجویی نسبت به خودش، چه به معنای درون دانشگاه و محیط دانشگاه - این خودسازی، همان ترمیم خاکریزها و سنگرهاست.

سه وظیفه ی اساسی شکل های دانشجویی



بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای دانشجویی ۱۵/۰۹/۱۳۷۵

بسم الله الرحمن الرحيم



به نظر من سه وظیفه ی اساسی بر دوش تشکلهاست:

1 - یکی این که مجموعه ی دانشجویی را از لحاظ روحی و معنوی تغذیه کنند. من البته توقعی که از دفتر نمایندگی و روحانیون محترمی که در دانشگاهها هستند، دارم، از هیچ انجمن اسلامی ندارم. این معلوم باشد. چون بالاخره روحانیون در داخل دانشگاه، با آگاهیهای دینی و معنوی، در این زمینه مسؤولیتهای سنگینتر و تواناییهای بیشتری دارند - در این که تردیدی نیست - اما بالاخره مجموعه ی دانشجویی اسلامی - تشکل اسلامی - هم در زمینه ی تغذیه معنوی و روحی این دانشجو، تکلیف بزرگی دارند.

2 - این طور نیست که اگر دانشجو درس خواند، امروز و فردای دانشجویی او تضمین خواهد شد. ای بسا دانشجویی که درس میخواند، اما از اخلاق انسانی و احساس مسؤولیت نسبت به جامعه و میهن خودش - چه برسد از اعتنای به ارزشهای اسلامی - به کلی تهی است! بدیهی است که واقعاً این ارزشی ندارد. فرض بفرمایید کشور زحمت بکشد، خرج کند تا یک نفر را متخصص کند؛ که این آدم کمترین تعهدی به کشور، خانه و مجموعه و ملت خودش نداشته باشد! تخصص را ببرد و در اختیار دشمن قرار دهد! این که عاقلانه

- 1 - تغذیه ی مجموعه ی دانشجویی از لحاظ روحی و معنوی
- 2 - مسؤولیت سیاسی
- 3 - وحدت بین بچه های مسلمان در دانشگاه

نیست.

✦ شرط اصلی این است کسی که در این جا درس میخواند، از معنویات برخوردار باشد. حالا برخی از این معنویات، معنویات انسانی عمومی است که در هر کشور، با هر جهتگیری حائز اهمیت است. مسلمان باشند یا نباشند، انقلابی باشند یا نباشند، بالاخره باید به مجموعه و خانه‌ی خود وفادار و متعهد باشد، نسبت به انسان و انسانیت رحیم و مهربان باشد و فقط به فکر پر کردن جیب خودش نباشد. اگر نبود که ارزشی ندارد! البته درس بخوانند که نان بخورند، حرفی نیست؛ عده‌ای هستند برای نان خوردن درس میخوانند، مانعی ندارد، بخوانند؛ اما بالاخره این طور نباشد که این نان خوردن، به قیمت بدبخت و محروم کردن دیگران تمام شود. برای این اخلاق انسانی لازم است. بعضی از اخلاقیات این طوری است؛ بعضی از معنویات و اخلاقیات هم مربوط به تعهدهای اسلامی است.

✦ آن دانشجویی که با خدا انس ندارد، آشنا نیست و هیچ رایحه‌ای از گلستان معنوی وجود انسان به مشامش نرسیده است، خیلی ناقص است. آن جوانی که با وجود داشتن دل شفاف و روح آماده، اصلاً لذت ذکر خدا را نچشیده، از نماز لذتی نمی‌برد؛ از دعا، ذکر، تضرع، گریه و انس با پروردگار عالم و از پیوند با زیباترین حقایق وجود - که وجود مقدس باری تعالی است - هیچ بهره‌ای نبرده است، این خیلی ناقص، محروم و قاصر است. شما در این جهت هم تعهد دارید که دلها را روشن و با خدا آشنا کنید. انس با خدا را تعلیم دهید و لذت ذکر را بچشانید.

✦ اگر کسی لذت ذکر الهی و انس با خدا را چشید، بدانید که هیچ لذت دیگری به دهانش مزه نمیکند. همه‌ی این لذتهای زودگذر دنیا - حتی عالیترین لذات - به نظرش بچگانه می‌آید. آن کسانی که اهل این چیزها

هستند، آنها صادقند و به ما این چیزها را گفته‌اند. هر کسی هم ممکن است
بالاخره در مدت عمرش، کم و بیش توفیقی پیدا کند و لذت ذکر الهی را
لحظه‌ای درک کند. این هدیه‌ی بزرگی است که شما باید به جوانان دانشجو
بدهید. این جوانان دختر و پسر روحیه‌ی آماده دارند. اینها را با نماز آشنا
کنید. نماز یک بار بر دوش انسان نیست. بلکه یک لطف و یک دریچه است.
اگر خدا به من و شما اجازه نداده بود که با او حرف بزنیم، ما چه کار
میکردیم؟ اگر انسان اجازه نداشت زبان به دعا و مناجات باز کند، چه میکرد؟
چطور میتواندست روح تشنه و گرسنه‌ی خود را اشباع کند؟ چه چیزی غیر از
انس با خدا میتواند این روح تشنه‌ی انسان را سیراب کند؟
پیغمبر اکرم - بنابر آنچه که در بعضی از نقلهاست - نزدیک وقت اذان که
میشد، به بلال میفرمود: «اُبرد یا بلال، اُبرد یا بلال». (۱) به گمانم شیخ بهایی
یا مرحوم نراقی - درست یادم نیست؛ سابق دیده‌ام - این را معنا میکند .
میگوید: چند احتمال درباره‌ی معنای این کلمه وجود دارد. یک احتمالش
این است که «بلال! جگرم از تشنگی میسوزد؛ این آب گوارا را برسان.» آب
گوارای اذان را که مدخل و اجازه‌ی ورود به نماز است.

➤ چه کسی میخواهد این معنویات را به این جوانان یاد بدهد و دستشان را
بگیرد؟ این به عهده‌ی شماست. این وظیفه‌ی بزرگی است؛ آن را کم نگیرید.
البته اشاره کردم که شما، اول نسبت به خودتان حساسیت به خرج دهید.
من سال گذشته در جمع شما گفتم - به نظرم در جمع شما در قم بود -
این اعتکافی که در مسجد دانشگاه شد، برای من خیلی شیرین و لذتبخش
بود. الحمدلله سال به سال اقبال مردم به این اعتکاف زیاد میشود. برای من
گزارش آوردند که روز سوم، وقتی مردم از مساجد - البته شاید بعضی از
جاها، نمیدانم کجا. همه جا بوده یا بعضی از جاها - و از اعتکاف بیرون
میآمدند، با گریه از مسجد جدا میشدند! سه روز در مسجد روزه گرفته‌اند؛ دعا

و اُنس و ذکر و تضرّع داشتند؛ حالا که میخواهند از مسجد جدا شوند، اشکریزان با مسجد و با اعتکاف وداع میکنند! اینها چیزهای خیلی خوبی است؛ جلب رحمت پروردگار را میکند. شما این را بدانید که بسیاری از موفقیت‌های امروز ما، بر اثر این چیزهاست. شاید شما بعضی از این کارها و موفقیت‌های سیاسی را، به ما که مسؤولین نظام و تصمیم‌گیران سطح بالای کشور هستیم، مستند کنید؛ اما ما خودمان، گاهی که در بعضی از مسائل بخصوص صحبت و مذاکره میکنیم، حقیقتاً به این نتیجه میرسیم که در این زمینه کاری نکرده‌ایم و این یک قدرت نمایی خدایی بوده است. همان‌طور که امام رحمه‌الله علیه در یکی از بیماری‌هایشان که در بیمارستان بستری بودند به من فرمودند: «من در طول این سالها، در تمام این مدت، دست قدرتی را احساس کردم که ما را پیش می‌برد». من هم امروز آن قدرت را احساس میکنم. این رفتارهای شما و مردم است؛ این تضرّعها، توجه‌ها، توسّلات به پروردگار، عبودیتها و سر به فرمان نهادن‌هاست که رحمت الهی را متوجه میکند! یک عده اصلاً نمیتوانند تصوّرش را بکنند - خوب نکنند - اما انسان وقتی که با قضا یا و با فطرت خودش روبرو شود، کاملاً میفهمد که قضیه چیست.

- * به‌هرحال، اول از خودتان مراقبت کنید؛ حقیقتاً مراقب خودتان باشید. مراقب باشید گناه نکنید و اعمال درست انجام دهید. مراقب باشید که هوای نفس شما را به گفتن، شنیدن، موضعگیری کردن و دعوا کردن - به هیچ‌گفتار و کرداری - وادار نکند. تا آن‌جا که ممکن است، اجتناب کنید. ما که ناقص هستیم. البته شما بهتر از ما هستید؛ جوان، پاک و نورانی هستید. شما کارتان خیلی راحت‌تر از امثال ماست. در سنین ما، کارها خیلی مشکل‌تر میشود. در سنین شما، کار خیلی آسان است.

- * پس، اول نسبت به خودتان این کار را بکنید؛ بعد هم این مسؤولیت را

نسبت به محیط دانشجویی و به کمیت عظیم دانشجویان احساس کنید. از هیچکس هم مایوس نشوید و همواره سعی کنید اثر بگذارید. مواظب باشید در مقابل منحرفین اثر بگذارید؛ نه این که اثر بپذیرید. همیشه این نکته به یادتان باشد. البته هدایت عمومی این کار هم به وسیله روحانیون محترم و فضایی است که خوشبختانه امروز در دانشگاهها حضور دارند. امروز بهتر از چند سال قبل هم هست؛ بحمدالله از این جهت خیلی خوب است.

- * مسؤولیت دوم، مسؤولیت سیاسی است. ببینید؛ من بحثی را مطرح کردم. این بحث هیچ وقت در محیطهای دینی ما مطرح نشده بود نه در سخنرانیها، نه در بحثهای دیگر - من این بحث را مطرح کردم، تا افرادی که در مسائل تاریخ و مسائل سیاسی، اهل مطالعه و فکر هستند، آن را دنبال کنند.

2 - : مسؤولیت

«سیاسی»

- * آن بحث، بحث عوام و خواص است که حدود چند ماه قبل، در جمعی که همه آنها هم مثل شما جوان بودند، مطرح کردم. عزیزان من! شما چهره‌ی منور پیغمبر را در نظر بگیرید؛ واقعاً وجود مقدس پیغمبر در نهایت صفا و زیبایی و نورانیت است که در عالم بشریت، برتر از او تصور نمیشود. اصلاً خود او هم برای ما قابل تصور نیست. شما پیغمبران بزرگ را نگاه کنید. داستان حضرت یوسف علیه السلام و حضرت ابراهیم علیه السلام را در قرآن بخوانید؛ داستان حضرت موسی علیه السلام را بخوانید؛ ببینید اینها چقدر بزرگ بودند! چقدر شخصیت آنان عظیم است! همه‌ی آنان در مقابل پیغمبر ما، کودک دبستانی هستند». وَكَلِّمَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مُلْتَمِسِ غَرْفًا مِنَ الْبَحْرِ أَوْ رَشْعًا مِنَ الدِّيمِ». علی نورانی منوری که غیر مسلمانان هم در مقابلش خضوع کردند و به زانو افتادند؛ این امیرالمؤمنین با این عظمت، در مقابل پیغمبر طفل دبستان است! یک شاگرد مطیع در مقابل

2-1- : تبیین

بحث عوام و خواص

یک استاد است؛ آن هم شاگردی که هیچ وقت به استاد نمیرسد. این را بدانید. این امیرالمؤمنین با این عظمت، در مقابل پیغمبر، چنین شخصیتی است .

شما توجه کنید؛ همه‌ی مشکلاتی که در طول تاریخ دربار و غمبار اسلامی - از صدر اول اسلام - به وجود آمده است این است که این حکومت که تا سال دهم هجرت، در دست پیغمبر بوده است. بعد از آن به دست یزید میافتد! چه موقع؟ سال شصتم هجرت. فقط پنجاه سال - نیم قرن - بعد، همان حکومت بین از کجا تا کجا می‌رود! آیا واقعاً از این گریه اورتر در دنیا وجود دارد؟! این، گریه اورتر از کشته شدن امام حسین است! از همه‌ی قضایای عاشورا گریه اورتر است که روزگاری و جامعه‌ای وجود داشته باشد که سابقه‌ی آن جامعه به پیغمبر و امیرالمؤمنین علیهماالسلام برگردد، آنها بر آن جامعه حکومت کرده باشند و بعد از چند ده سال، به کسی مثل یزید برسد! بعد هم به مروان و عبدالملک و بقیه؛ و تقریباً پانصد، ششصد سال - نزدیک به ششصد سال - چنین عناصری با نام دین، حکومت کنند! البته بعد هم ناصرالدین شاهها، رضاخانها و دیگران حکومت کردند. هر کدام از آنها برای خودشان یک یزید یا یک معاویه بودند؛ آنها را نباید خیلی هم دست کم گرفت! آنها هم همان طورند؛ منتها آنها به اسم دین حکومت میکردند. خلاصه کمتر مصیبتی در دنیا، این قدر بزرگ است!

حالا این مصیبت را تصور کردید. این مصیبت از ترکیب دو چیز به وجود آمده است. هر کس به تاریخ مراجعه کند، این را تصدیق خواهد کرد. خلاصه‌ی بحث عوام و خواص ما عبارت است از این که بعضی از خواص خیانت میکنند و بسیاری از عوام بدون توجه، به دنبال آنها به حرکت درمی آیند. این مشکلی است که همیشه ممکن است پیش آید.

عزیزان من! تعدادی از خواص، دانسته و فهمیده خیانت میکنند؛ راه را کج

میروند، دنبال هوای نفس، دنبال زندگی شخصی و دنبال پول و مال و ثروت حاکمیت و قدرت و تعصبات و بقیه‌ی خواسته‌های خودشان میروند و خواص هم هستند! بسیاری از عوام هم از آنها تبعیت میکنند - بسته به شانس آنها - اگر این شخص خاص که منحرف شده است، آدمی باشد که جذابیت‌هایی در وجودش باشد، آن وقت وای به حال مردم و وای به حال عوام!

حال شما در مقابل این مشکل، میخواهید چه کار کنید؟ این که من میگویم دانشگاهها باید سیاسی شود، معنایش این است. یعنی شما کاری کنید که در محیط دانشجویی، عوامی وجود نداشته باشد. قدرت تحلیل در یکایک عناصر دانشجو وجود داشته باشد. ای بسا آدمی که تا حدّ وزارت هم بالا می‌رود، اما جزو عوام است؛ یعنی قدرت و موضعگیری ندارد. یک راه روشن بینانه اتخاذ نمیکند. معنای عوام این است. اگر پرورش‌یافتگان محیطهای دانشجویی ما که فردا بناست سطح عظیمی از دانش و مناصب حسّاس و مراکز حسّاس جامعه‌ی ما را اشغال کنند، انسانهایی دارای قدرت تحلیل و با جهتگیری درست باشند، آن وقت این مشکل، به مراتب کم خواهد شد. بنابراین باید پیشگیری کنیم. باید پیشگیری کرد. این به عهده‌ی شماست.

البته شما بدانید که برای کار سیاسی در محیطهای دانشجویی، هیچ کس منتظر نمی‌ماند تا انجمنهای اسلامی و تشکلهای دانشجویی آن را انجام دهند. دیگران - دشمنان - انجام میدهند. اگر به آنها اجازه دهیم در محیط دانشگاه میروند و ستاد جنگ درست میکنند؛ کمالین که اول انقلاب درست کردند و امام رحمه‌الله علیه با یک دستور، همه‌ی آن را جمع کردند. گروههای مختلف، در داخل همین دانشگاه تهران، در سال ۵۸ و ۵۹ ستادهای جنگ درست کردند! آنها که منتظر تشکل اسلامی نمی‌مانند. اگر راهشان بدهید، داخل میروند؛ اگر راهشان ندهید، با مقاله‌ها و نوشته‌های گوناگون از بیرون به داخل دست‌اندازی میکنند.

این که من میگویم دانشگاهها باید سیاسی شود، معنایش این است. یعنی شما کاری کنید که در محیط دانشجویی، عوامی وجود نداشته باشد. قدرت تحلیل در یکایک عناصر دانشجو وجود داشته باشد.

اگر شما در داخل دانشگاه، در این زمینه پیشقدم شوید، راه را بر دشمنان سد خواهید کرد. تحلیل سیاسی درست، صحیح، منطقی و مطابق با همین نظام متقنی که بر اساس سیاست درست و نظام مبارک اسلامی به وجود آمده است، داشته باشید. باید بتوانید همه‌ی مسائل دنیا را با این معیار، با این دیدگاه روشن و صحیح تحلیل کنید. این، آن چیز مطلوب است. البته اول خودتان در این جهت، تضمین شوید؛ بعد به داخل محیط دانشجویی بروید و کار کنید. این هم وظیفه و کار دومی که به نظر من بسیار مهم است.

• البته مسأله‌ی دیگری هم وجود دارد و آن مسأله‌ی سوم است. مسأله‌ی سوم رابطه‌ی شما با خودهایتان است. متأسفانه من میبینم که بچه‌های مسلمان داخل دانشگاهها، گاهی آن قدر با هم اختلاف و درگیری پیدا میکنند که اصلاً مجالى باقى نماند که کار کنند! متأسفانه بعضیها در داخل دانشگاه، به نام اسلام، کارشان این شده است که به ارزشهای موجود جامعه، یا به افراد، یا به جهتها و امثال آن، دست اندازی کنند. به اینها باید گفت به کار خودتان بپردازید.

مهمترین مسأله‌ی شما دانشجویان در داخل دانشگاه، اینها هستند که غفلت و بی توجهی میکنند. البته این که ما میگوییم به کار دانشجویی بپردازید، معنایش این نیست که دانشجویان به مسائل سیاسی جامعه نپردازند؛ نه. باید حتماً به مسائل سیاسی جامعه و جهان بپردازند. اگر شما سرتان را پایین انداختید، از همه چیز محروم خواهید ماند. باید سرتان بالا باشد؛ باید دید شما وسیع باشد؛ باید افق دید، کاملاً دور و فراگیر باشد. لیکن نباید از مسائل دانشجویی غافل شوید.

3- : وحدت بین
بچه های مسلمان
در دانشگاه

این که ما میگوییم
به کار دانشجویی
بپردازید، معنایش
این نیست که
دانشجویان به
مسائل سیاسی
جامعه نپردازند؛
نه. باید حتماً به
مسائل سیاسی
جامعه و جهان
بپردازند.



می‌خواستیم نظر کلی شما را در مورد شوراهای دانشجویی و شوراهای صنفی بدانم؟

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سر دبیران نشریات دانشجویی 4/12/1377

- دانشجویان یقیناً خواسته‌هایی دارند که برای منتقل کردن این خواسته‌ها به مدیران، بایستی آنها را مطرح کنند؛ در این زمینه مشورت نمایند و خودشان تصمیم بگیرند؛

- اما این که دانشگاه به وسیله‌ی دانشجو اداره شود، نه، من هیچ اعتقادی ندارم. تا الان هم من چنین ایده‌ای را به صورت منطقی شنیده‌ام که کسی مطرح کند که دانشجو بیاورد دانشگاه را اداره کند؛ نه. دانشجو می‌همان دانشگاه است؛ اصلاً مدیر دانشگاه نیست. دانشگاه یک مدیر لازم دارد؛ تشکیلاتی لازم دارد؛ طراحانی لازم دارد که بلاشک باید مصالح دانشجو را در نظر بگیرند؛ چون اساساً فلسفه‌ی وجود دانشگاه، دانشجوست. اگر دانشجویی نداشتیم، دانشگاهی نمی‌خواستیم؛ چیز دیگری درست می‌کردیم. پس مصالح او، سرنوشت او، نیاز او، نیاز کشور به او، همه باید رعایت شود؛ اما این که دانشجو بیاورد دانشگاه را اداره کند، نه. من نه چنین چیزی را به عنوان یک ایده‌ی منطقی و علمی و مطرح شنیده‌ام و نه هم اصلاً این کار منطقی است. یک حرف دیگری وجود دارد و آن این که اساتید در اداره‌ی دانشگاه نقش داشته باشند. این باز یک خرده منطقی‌تر است؛ لیکن این هم به نظر من به شکل مطلق و کلی درست نیست. دانشگاه باید به وسیله‌ی مدیران خودش اداره شود و آن مدیران باید سیاستهای دستگاهی را که وابسته به آن هستند، حتماً اجرا کنند، تا مسؤولیت مشخص شود و مسؤولیتها لوث نگردد. الان اگر

دانشجویان ، مدیر دانشگاه نیست ، این که دانشگاه به وسیله‌ی دانشجو اداره شود، نه، من هیچ اعتقادی ندارم. ولی بلاشک باید مصالح دانشجو را در نظر بگیرند؛

دانشگاه ما وضع بدی داشته باشد، مسؤولش رئیس دانشگاه است. رئیس دانشگاه اگر این کار بدش معلول بد رفتاری یا ضعف خود او نباشد، بلکه معلول برنامه‌ای باشد که وزارت به او داده، وزیر مسؤول است. وقتی وزیر مسؤول شد، می‌شود از وزیر سؤال کرد. اما اگر نه، گروهی آن‌جا باشند که اینها تحت فرمان وزیر نیستند و اصلاً از مقررات وزیر، برنامه‌ی وزیر و وزارت و دولت هیچ دستوری نمی‌گیرند و هیچ تعهدی در مقابل آن ندارند، طبعاً نمی‌شود انسان از کسی سؤال بکند. مجرمی، مسیئی، محسنی وجود نخواهد داشت.

البته دانشجویان بعد از درس خواندن، خیلی فعالیتها در دانشگاه می‌توانند بکنند.

تذکر

اگر واقعاً

دانشجویی درس

نخواند، بلاشک

بدانید که او

مشغول ذمه است؛

یعنی ذمه‌اش

مشغول مردم و

خدا و همه است!

بی‌رودربایستی باید به شما عرض کنم که اگر شما بخواهید درس خواندنتان را فدای این کارهایی بکنید که خیال می‌کنید خوب است - حالا یا خوب است، یا خوب هم نیست - بنده هیچ اعتقادی به این کار ندارم. درس، اول است. فلسفه‌ی حضور شما در آن‌جا درس خواندن است. اگر واقعاً دانشجویی درس نخواند، بلاشک بدانید که او مشغول ذمه است؛ یعنی ذمه‌اش مشغول مردم و خدا و همه است! هرکسی که سهمی در ایجاد این دانشگاه دارد، ذمه‌اش مشغول به اوست و باید پیش خدای متعال جواب دهد. حالا در دنیا ممکن است کسی یقه‌ی کسی را در این‌طور چیزها نگیرد؛ اما در روز قیامت یقیناً سؤال خواهند کرد که چرا درس نخواندی؟! پس، اول درس خواندن است.

بلاشک درس خواندن همه‌ی وقت دانشجو را نمی‌گیرد؛ برای او وقتی باقی می‌ماند که باید این وقت را برای مسائل فکری، برای مسائل سیاسی - البته سیاستبازی نمی‌گوییم - استفاده کند. کار سیاسی در دانشگاه نباید

برای او وقتی باقی

می‌ماند که باید

این وقت را برای

مسائل فکری،

برای مسائل

سیاسی - البته

سیاستبازی

نمی‌گوییم -

حالت افراط و تفریط داشته باشد. یک وقت هست که تفریطی وجود دارد؛ اصلاً دانشگاه همین‌طور مثل یک مرده است! این همه جوان وجود دارند که گاهی در مسائل سیاسی، نه موضعی می‌گیرند و نه حرفی می‌زنند! بنده در موقعی گفتم خدا لعنت کند کسانی را که دانشگاه را به این طرف سوق می‌دهند. یک وقت هم دانشجو را در همه‌ی مسائلی که هیچ ارتباطی با او ندارد - مسائل و مشکلات گوناگونی که مربوط به گروهها و جناحهاست - بیایند وارد کنند؛ از نیروی جوان او استفاده کنند و او را این طرف و آن طرف بکشانند؛ این هم به نظر من افراط است.

البته بعضی وقتها می‌گویند در دنیا چنین است، در فلان کشور چنان است؛ حالا گیرم که باشد، آیا خیلی خوب است که فرضاً دانشجویان، دانشگاه‌هایشان را تعطیل کنند و درسشان را نخوانند؛ بیایند به سود فلان حزب و فلان جناح، حرکتی را انجام دهند که هیچ بررسی هم نکرده‌اند که این حرکت درست است یا درست نیست؟ مگر این چیز خوبی است که ما حالا بخواهیم از آن تقلید بکنیم؟! بنابراین، کار سیاسی هم که می‌گوییم، یعنی واقعاً قدرت فهم سیاسی و درک سیاسی و تحلیل سیاسی باید در یکایک دانشجویان به وجود آید.

- پناه بر خدا از آن روزی که کسانی مسؤولیتهایی را در کشور به عهده بگیرند، در حالی که فهم سیاسی ندارند و قادر به تشخیص امواج سیاسی دنیا نیستند! این کار چه موقع باید انجام گیرد؟ در طول زندگی؛ بخصوص در دوره‌ی جوانی. محیط دانشجویی هم محیط خیلی خوبی است؛ محیط گرم و پرشوری است؛ از این موقعیت باید استفاده شود. گمانم در آن دیدار قبلی این نکته را به شما عرض کردم - اگر هم نگفتم، الان می‌گویم - که شما باید کمک کنید که به وسیله‌ی نشریات شما، دانشجویان قدرت تحلیل پیدا کنند؛ یعنی مسائل سیاسی را بفهمند و اصلاً متوجه شوند که این موج

پناه بر خدا از آن
روزی که کسانی
مسؤولیتهایی را
در کشور به عهده
بگیرند، در حالی
که فهم سیاسی
ندارند و قادر به
تشخیص امواج
سیاسی دنیا
نیستند!

سیاسی چیست؛ این کسی که الان این اقدام را می‌کند، این حرف را می‌زند، این حرکت را می‌کند، برای چیست؛ یعنی قدرت تحلیل سیاسی پیدا کنند؛ پشت این پرده‌ی ظاهر را مشاهده نمایند. در اوقات فراغت، دانشجویان مسائل علمی و فرهنگی را دنبال کنند. این اردوهای که هست، بعضی از آنها خیلی خوب است؛ بخصوص شما که الحمدلله بچه‌های مسلمانی هستید و کم و بیش با مسائل اسلامی، گسترش دینداری، تقوا و پارسایی در دانشگاهها آشنا هستید؛ این خیلی مهم است.

قدرت تحلیل
سیاسی پیدا
کنند؛ پشت این
پرده‌ی ظاهر را
مشاهده نمایند.
در اوقات فراغت،
دانشجویان مسائل
علمی و فرهنگی
را دنبال کنند.

– شما هرکس که باشید، متعلق به هر دانشگاهی که باشید، به هر جناح سیاسی و فکری که وابسته باشید، از تقوا و پارسایی بی‌نیاز نیستید. این اساس کار است. آدم وقتی باتقوا شد؛ یعنی مراقب خود بود – تقوا معنایش این است دیگر؛ یعنی انسان مراقب اعمال و رفتار خودش باشد که کار نادرست و بی‌قاعده از او سر نزند – هرکس که باشد، هرطور فکری که داشته باشد، هرگونه مذاق سیاسی‌ای که داشته باشد، خطری ایجاد نمی‌کند؛ ضربه به جایی نمی‌زند؛ ویرانی به وجود نمی‌آورد؛ از او صلاح می‌تراود. لذا به نظر من اصل این است که هرچه می‌توانید، خودتان و دیگران را – رفقا، دوستان و آنهایی که نشریه‌ی شما را می‌خوانند – باتقوا و متدین و پاک‌نهاد بار آورید.

این اساس کار
است. آدم وقتی
باتقوا شد؛ یعنی
مراقب خود بود –
تقوا معنایش این
است دیگر؛ یعنی
انسان مراقب
اعمال و رفتار
خودش باشد که
کار نادرست و
بی‌قاعده از او سر
نزند